

علم أصول الفقه

٣٤

اوامر ٢١-٩-٩٥

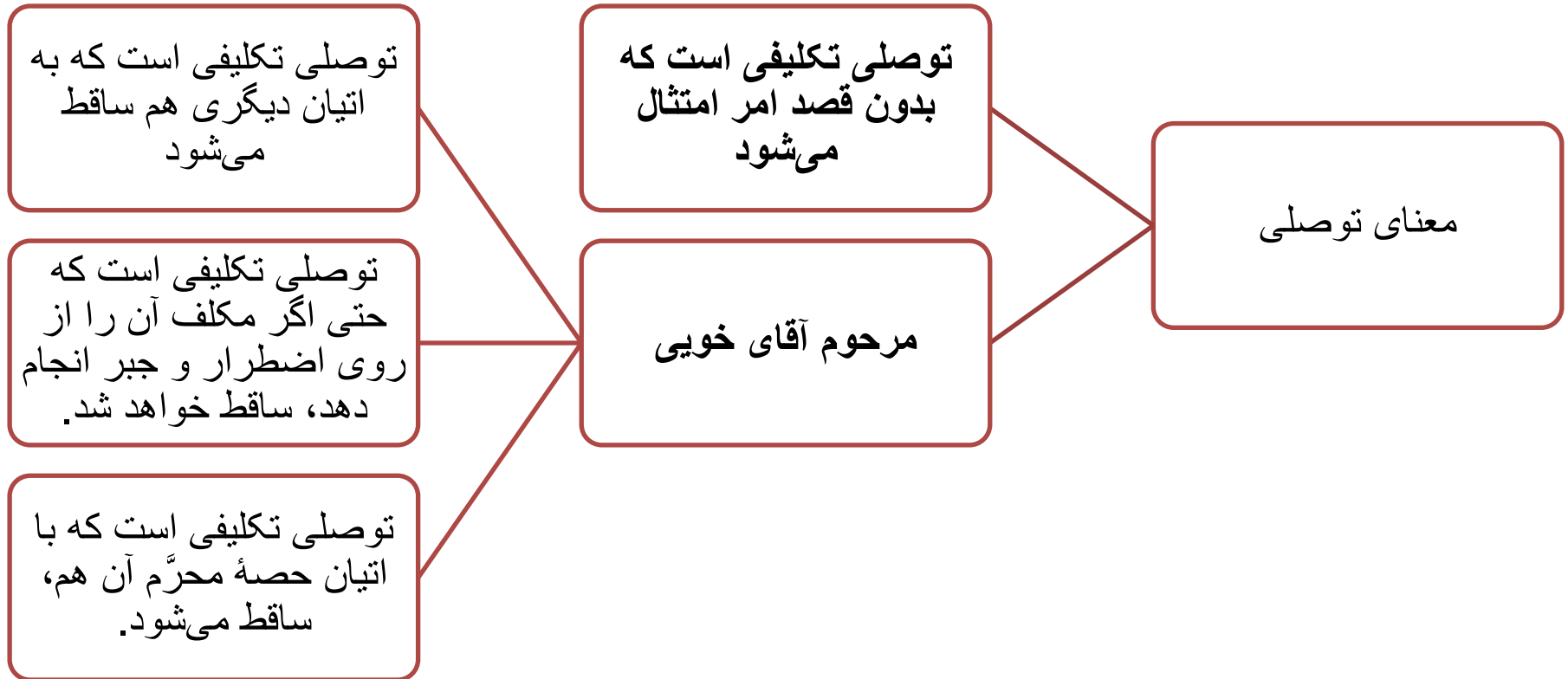
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

تعبدیت و توصلیت در امر

معنای تعبدی
بودن و
توصلی بودن

توجه تکلیف
به چیزی به
قید قصد
قربت ممکن
است یا نه

اصل در
اوامر
تعبدیت است
یا توصلیت



تعبدیت و توصلیت در امر

- اصل اول در توصلی و تعبدی بودن امر
- از گذشته در بحث امر مطرح بوده است که آیا امر به طبیعت اولیه اش تکلیفی را اقتضا می کند که سقوط آن نیازمند قصد قربت است یا مقتضی تکلیفی است که سقوط آن نیازمند قصد قربت نیست.

تعبدیت و توصلیت در امر

- برای مثال وقتی مولا امر کرد: «یک لیوان آب بیاور» و قرینه‌ای بر تعبدی یا توصلی بودن در آن وجود ندارد، آیا این امر در صورتی ساقط می‌شود که شخص مأمور حتماً قصد امر کند یا در صورتی ساقط می‌شود که این عمل تحقق پیدا کند؛ هرچند مأمور قصد امر مولا را نداشته باشد و آن عمل را به عنوان اینکه مطلوب مولا است، انجام نمی‌دهد.

تعبدیت و توصلیت در امر

- در اینجا این سؤال پدید می آید که اساساً آیا تعلق امر به چیزی به قصد همان امر معنادار است؟
- یعنی آیا مولا می تواند مثلاً این طور امر کند: «یک لیوان آب بیاور به قصد همین امری که من الآن به تو کردم»؛ به تعبیر دیگر آیا امکان دارد متعلق یک امر مقید به قصد همان امر باشد؟

تعبدیت و توصلیت در امر

- تعریف قصد قربت را به معنای نزدیکی به خدا
- بعضی از دوستان اشکالی می‌کردند چرا این قدر راه را دور می‌کنید. قصد قربت یعنی اینکه ما قصد کنیم با انجام این عمل به خدا نزدیک شویم نه قصد امر است و نه قصد لازم امر و نه قصد معنای دیگری از قبیل ملاک، مصلحت، اراده و محبوب بودن.

تعبدیت و توصلیت در امر

- این اشکال به این معنا وارد نیست؛ چون همه می دانیم وقتی عمل را به صورت عبادت اتیان می کنیم، یعنی عمل را به قصد قربت اتیان می کنیم.

تعبدیت و توصلیت در امر

- اما این قرب، قرب فیزیکی نیست؛ مقصود این نیست که مثلاً یک قدم به سمت خدا می‌رویم مثل اینکه از اینجا با حرم فاطمه معصومه - سلام الله علیها - ۱۰۰۰ قدم فاصله داریم. اگر ۱۰۰ قدم به جلو برویم به اندازه همان ۱۰۰ قدم به حرم نزدیک شد ایم. در مورد خدا - تبارک و تعالی - نزدیک شدن فیزیکی معنا دار نیست.
- این معنا از قرب اختصاص به خدا - تبارک و تعالی - هم ندارد، بلکه در مورد عبید و موالی عرفی هم معنا دارد.

تعبدیت و توصلیت در امر

- وقتی مرئوس بخواهد خود را به رئیس نزدیک کند به این نیست که صندلی خود را نزدیک رئیس کند، بلکه مقصود این است که کاری کند تا نزد رئیس موقعیت بهتری پیدا کند.
- این قرب، قرب معنوی است نه قرب فیزیکی و مادی.

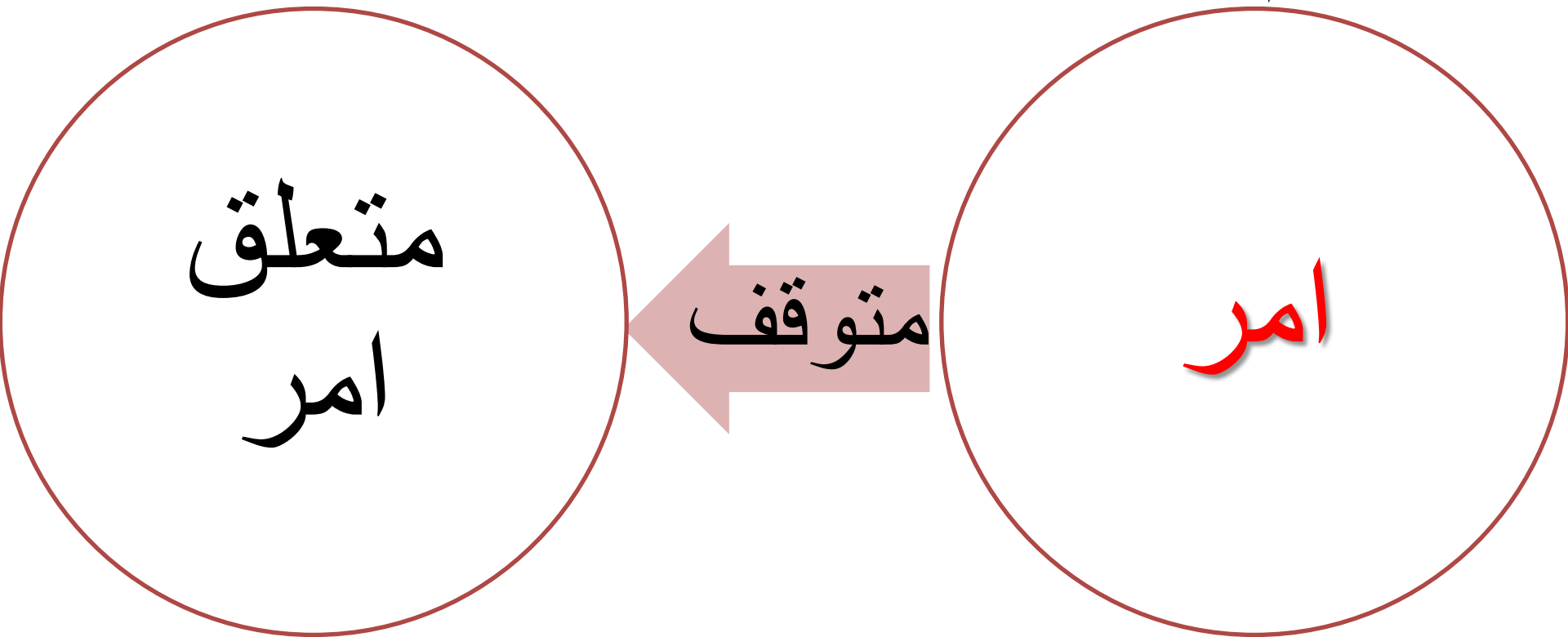
تعبدیت و توصلیت در امر

- حال همین فرد که به دنبال قرب معنوی است یا این کار را بدین سبب انجام می دهد که این کار نزد مولایش محبوب است یا چون این عمل یک ملاک و مصلحتی فی حد نفسه دارد یا چون مولا بدان امر کرده است.
- بنابراین وقتی بخواهیم قصد قربت به معنای معنوی را تفسیر کنیم به یکی از این امور بر می گردد. اگر اصولی ها به این بحث ها پرداخته اند به سبب این نکته است نه اینکه اصولی ها فکر می کردند معنای لغوی قربت، قصد امر است.

تعبدیت و توصلیت در امر

- لازم نیست که عبد و مولی به معنای فقهی باشد. عبد و مولای عرفی که می‌گوییم یعنی رئیس و مرئوس؛ یعنی کسی که مولویت دارد و کسی که تحت ولایت او است.

دور مرحوم آخوند



دور مرحوم آخوند

قصد امر

متوقف

امر

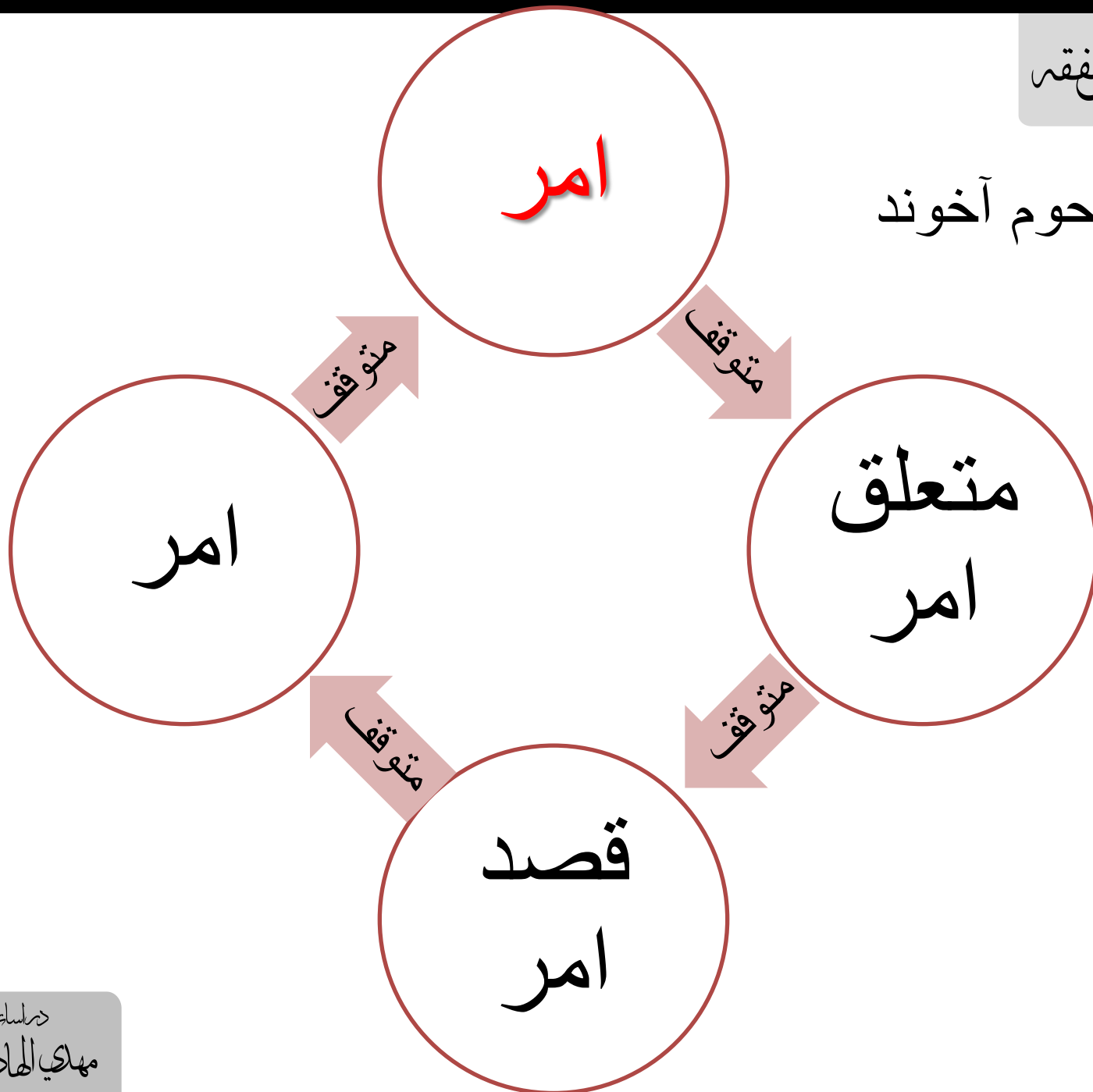
دور مرحوم آخوند

متعلق امر

همان

مشروط
به قصد
امر

دور مرحوم آخوند



دور مرحوم آخوند

تصور
متعلق امر

متوقف

امر

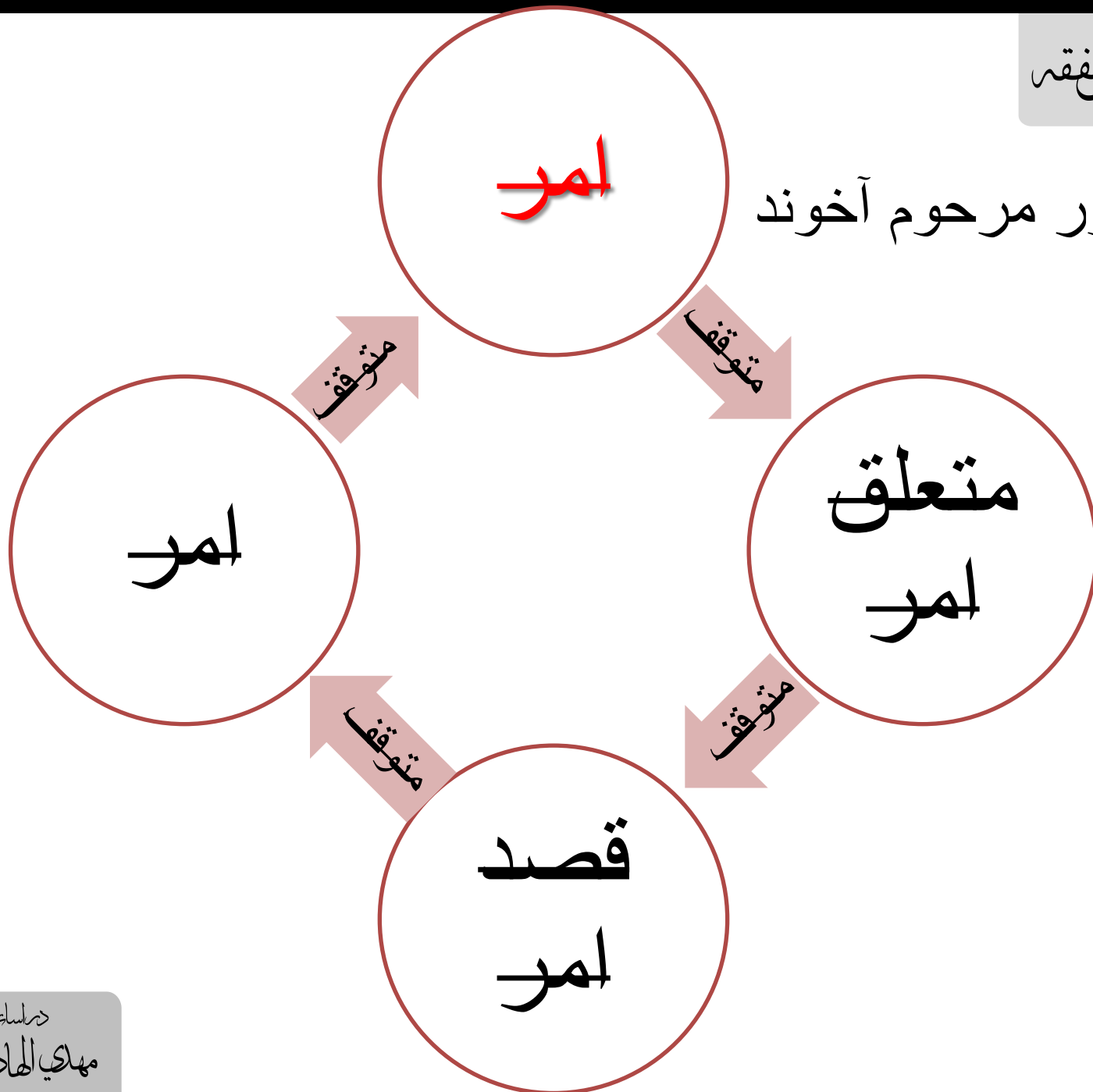
دور مرحوم آخوند

قصد امر

متوقف

واقِع امر

اشكال دور مرحوم آخوند



تعبدیت و توصلیت در امر

- پاسخ به مرحوم آخوند
- به بیان ایشان جواب‌هایی داده شده است. بهترین جواب این است که امر بر وجود ذهنی متعلق متوقف است نه بر وجود خارجی آن.

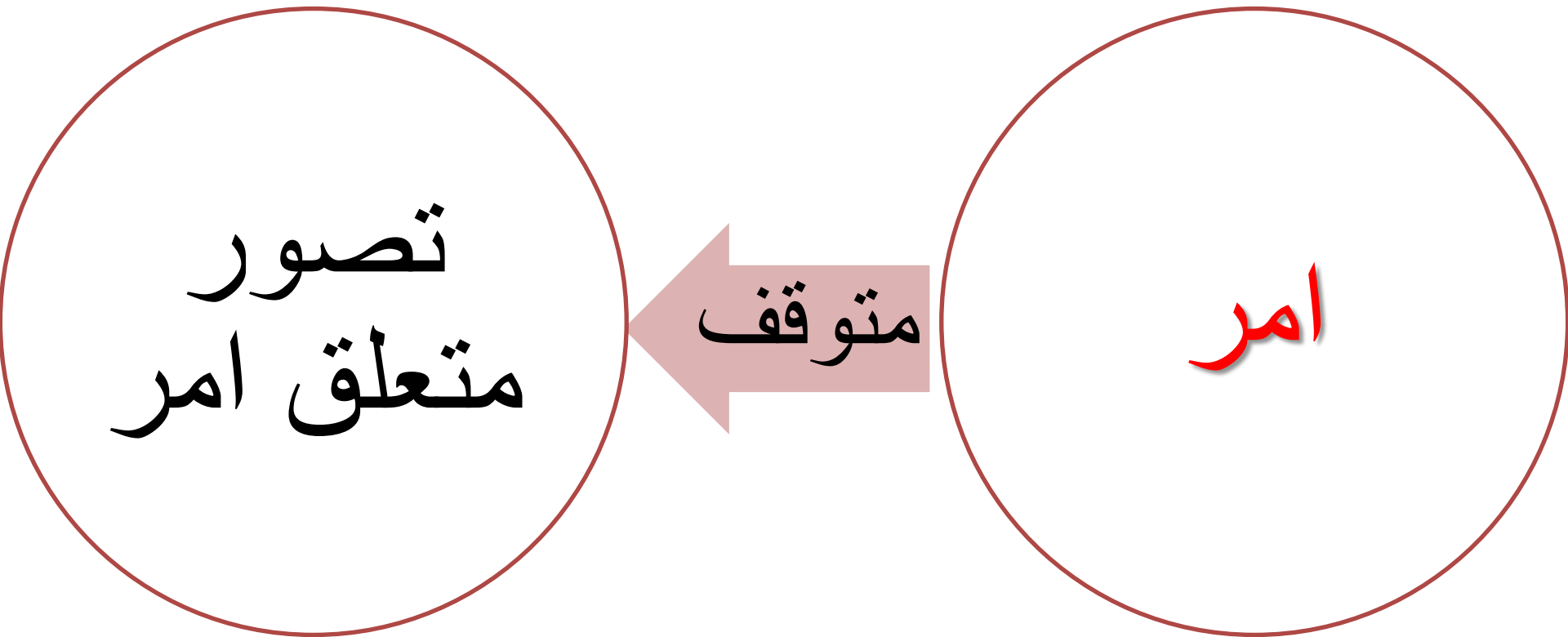
تعبدیت و توصلیت در امر

- امر باید متعلق امر را قبل از امر تصور کند؛ برای نمونه وقتی امر می‌خواهد امر کند «یک لیوان آب بیاور»، باید مفهوم «آوردن آب» را تصور کند ولی لازم نیست در خارج خود متعلق تحقق پیدا کند.
- اصلاً اگر متعلق امر در خارج موجود باشد، دیگر امر به آن معنادار نیست؛ زیرا طلب تحصیل حاصل می‌شود در حالی که امر طلب چیزی است که در ظرف امر کردن حاصل نیست و قرار است با این امر زمینه تحققش فراهم شود.

تعبدیت و توصلیت در امر

- اما آنچه متعلق امر بر آن توقف دارد، وجود خارجی امر است؛ یعنی وقتی متعلق امر بخواهد در خارج تحقق پیدا کند، باید امری واقعاً باشد تا قصد امری تحقق پیدا کند و این فعل به قصد همین امر قابل تحقق در خارج، انجام شود. بنابراین دوری در کار نیست.

دفاع از دور مرحوم آخوند



بما هو هو

بما هو مرآة
للواقف

تصور

دفاع از دور مرحوم آخوند

تصور متعلق
امر بما هو
مرآة للواقع

متوقف

امر

دور مرحوم آخوند

قصد امر

متوقف

امر

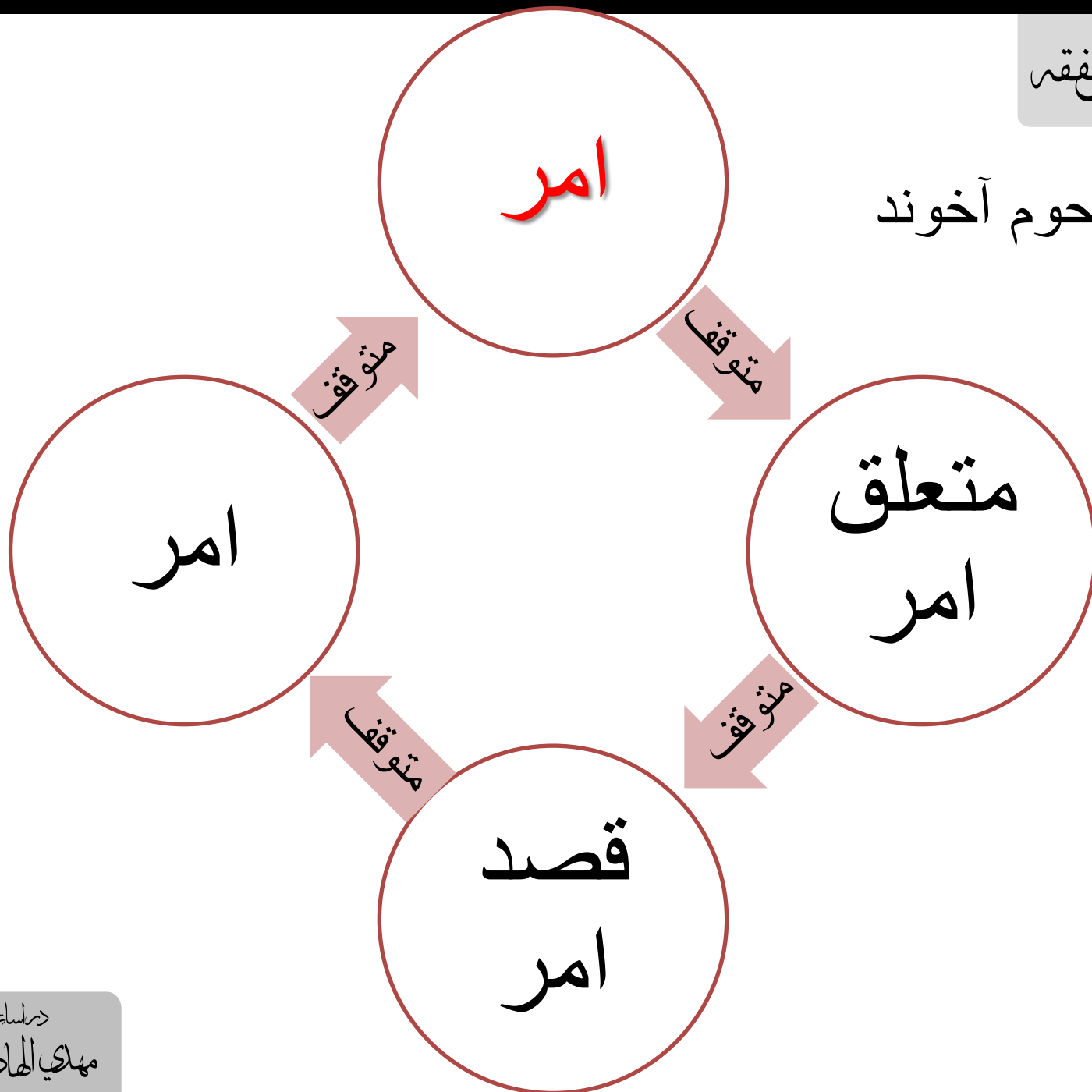
دور مرحوم آخوند

متعلق امر

همان

مشروط
به قصد
امر

دور مرحوم آخوند



تعبدیت و توصلیت در امر

- نقد و بررسی پاسخ به مرحوم آخوند
- اگر بیان مرحوم آخوند را تعمیق کنیم، این جواب صحیح نخواهد بود. تعمیق بیان ایشان بدین صورت است که امر مشروط به تصور متعلق امر است نه وجود خارجی آن؛ اما تصور ذهنی مثل هر مفهوم ذهنی دیگری به دو شکل قابل ملاحظه است:

تعبدیت و توصلیت در امر

- یک شکل این است که مفهوم ذهنی را صرفاً در حصار مفهومی خودش و از آن جهت که یک مفهوم ذهنی است، ملاحظه کنیم.
- شکل دوم که معمولاً به آن شکل به مفاهیم ذهنی نگاه می‌کنیم، این است که مفهوم ذهنی را به عنوان مرآتِ خارج در نظر بگیریم؛ یعنی از خلال این مفهوم می‌خواهیم یک واقعیتی را ببینیم؛ به تعبیر دیگر این مفهوم خودش موضوعیت ندارد و صرفاً طریق است.
- وقتی مولا در مقام امر، متعلق را تصور می‌کند، آیا تصورش نسبت به متعلق امر به شکل اول است یا به شکل دوم؟

تعبدیت و توصلیت در امر

- با مراجعه به وجدان عرفی خودمان درمی یابیم که مثلاً وقتی می خواهیم به کسی بگوییم: «خودکار را بده»، قبل از امر، باید مفهوم «دادن خودکار» را تصور کنیم. اما این مفهوم صرفاً به عنوان یک مفهوم ذهنی، متعلق امر ما نیست؛ زیرا اگر این بود، لازم نبود مأمور در خارج خودکار را به ما بدهد و کافی بود که این مفهوم را تصور کند. همچنین معنا ندارد بعد از اینکه مأمور خودکار را داده است، به او بگوید خودکار را بده؛ یعنی امر به خود این دادن خودکار به شکل خارجی و محقق شده اش تعلق نمی گیرد؛ زیرا بعد از تحقق فعل، دیگر مطالبه آن، طلب امر حاصل می شود.

تعبدیت و توصلیت در امر

- بنابراین امر متوقف بر تصور متعلقش است از آن جهت که مرآت واقع متعلق است.
- حال اگر تحقق این متعلق در خارج شرطی دارد، گویا آن شرط بر امر مولا تقدم پیدا می‌کند و اگر آن شرط، خود قصد امر باشد، برای تحقق متعلق امر، به خود امر نیاز داریم. پس امر در نهایت متوقف بر خود امر می‌شود و دوباره بیان مرحوم آخوند زنده می‌شود.

تعبدیت و توصلیت در امر

- به عبارت دیگر در اینجا به لحاظ در عالم واقع دوری لازم نمی آید؛ چون امر بر وجود واقعی متعلق امر متوقف ندارد، بلکه بر صورت ذهنی متعلق امر متوقف است. اما چون این متعلق از آن جهت که مرآت واقع متعلق است، تصور می شود، در نظر امر دور لازم می آید. در حقیقت این دور، دور لحاظی است.

تعبدیت و توصلیت در امر

- از منظر امر دور است. امر برای اینکه بتواند امر کند، باید متعلق امر را تصور کند؛ مثلاً باید نماز صبح را به همراه قصد امر به این نماز را تصور کند و او باید نماز صبحی را تصور کند که در خارج به قصد امر تحقق پیدا می‌کند و این نماز صبح با چنین خصوصیتی حاصل نمی‌شود مگر اینکه یک امری در آنجا فرض شود؛ یعنی امر باید لحاظ کند که امر به نماز صبح وجود دارد در حالی که هنوز امر مورد لحاظ از وی صادر نشده است و این لحاظ منشأ دور و تقدم الشیء علی نفسه است.

تعبدیت و توصلیت در امر

- با این توضیح اشکال مرحوم آخوند را که دور به لحاظ عالم واقع بود، به دور از منظر امر برمی گردانیم. این منظر، ضروری امر است؛ یعنی امر گزیری جز این ندارد و نمی تواند جور دیگری لحاظ کند؛ چون در غیر این صورت یا باید اصلاً متعلق را تصور نکند که امر به چیزی که تصور نکرده است، ممکن نیست؛ یا باید متعلق را تصور کند و فقط به صورت یک امر ذهنی نه از آن جهت که مرآت خارج است که فسادش قبلاً روشن شد.

تعبدیت و توصلیت در امر

- تقریرهای دیگری هم برای استحاله اخذ قصد قربت در امر مطرح شده است. اگر بیان مرحوم آخوند تمام باشد، دیگر نیازی به آنها نداریم. البته در مرحله بعد مسأله ای مطرح می شود که در آنجا، این تقریرها معنادار می شود. مسأله این است که طبق فرض بحث امر تعلق می گیرد به چیزی که مشروط به قصد قربت است.

تعبديت و توصليت در امر

اشكال مرحوم
آخوند وارد می شود

قصد شخص امر

قصد قربت

تعبدیت و توصلیت در امر

- اگر **قصد قربت** را به **قصد شخص امر** تفسیر کردیم، اشکال مرحوم آخوند وارد می شود.
- اما اگر بگوییم مقصود از **قصد قربت**، **قصد خود همان امر نیست**، اشکال ایشان ظاهراً منتفی می شود؛ چون بیان وی مبتنی بر این بود که چون این امر می خواهد به چیزی به همراه قصد شخص همین امر تعلق بگیرد، دور لازم می آید. پس اگر قصد خود همین امر نباشد و قصد چیز دیگری باشد، دیگر دور لازم نمی آید.

تعبدیت و توصلیت در امر

- مثلاً می‌گوییم به جای اینکه مولا قصد شخص این امر را به عنوان شرط متعلق اخذ کند، قصد طبیعی امر یا کلی امر را در متعلق اخذ کند. مثلاً مولا می‌گوید دو رکعت نماز صبح بخوان به قصد امر به نماز صبح به نحو کلی نه خصوص همین امری که الآن صادر شده است.

تعبدیت و توصلیت در امر

- بنابراین مشکل دور مرتفع می‌شود؛ چون شخص امر متوقف بر تصور متعلق امر است از آن جهت که حاکی از خارج است و در خارج این متعلق مشروط به قصد طبیعی امر است. بنابراین از منظر آمر، مقدم بر صدور شخص امر، باید یک طبیعی امر وجود داشته باشد.
- حال آن طبیعی امر می‌تواند در قالب شخص این امری که الآن می‌خواهد صادر کند یا امر دیگری تحقق پیدا کند و دیگر تعینی ندارد. پس شخص امر لزوماً متوقف بر خودش نخواهد بود. بنابراین اشکال دور لحاظی بر طرف می‌شود.

تعبدیت و توصلیت در امر

- همچنین برای رفع مشکل دور می توانیم بگوییم امر به چیزی همراه با قصد غیر امر از قصدهای قریبی تعلق بگیرد. اما اینکه چه چیز دیگری غیر از امر می تواند مورد قصد باشد، چهار احتمال برای آن ذکر کردند.
- کلی امر به معنای مفهوم امر نیست.

تعبدیت و توصلیت در امر

- اشکال دور در مرحله وصول
- برای امتثال امر به قصد آن امر، باید آن امر به من برسد. صرف اینکه این امر در عالم واقع وجود داشته باشد بدون اینکه به من برسد، امکان امتثال را فراهم نمی‌کند؛ البته وصول مراتبی دارد.
- بالاترین مرتبه آن وصول یقینی است. در موارد یقین، واقع از نظر من یقین کننده همان طوری که هست، بر من مکشوف است. در حقیقت به همة واقع رسیده‌ام. این مراتب همین طور پایین می‌آید از یقین تا ادنی مرتبه‌اش که بسته به مبانی افراد در برائت عقلی متفاوت می‌شود.

تعبدیت و توصلیت در امر

- بعضی مثل شهید صدر - رضوان الله علیه - که به برائت عقلی معتقد نیستند، حتی احتمال ضعیف را هم به عنوان وصول تلقی می‌کنند. ولی ما که برائت عقلی را قبول داریم، می‌گوییم باید راه وصول حتماً ظن معتبر باشد و حتی اگر ظن باشد، اما معتبر نباشد، وصول شمرده نمی‌شود.
- بنابراین در صورتی که متعلق امر مشروط به قصد امر باشد، متعلق امر بر وصول امر توقف پیدا می‌کند. پس اگر امر بر متعلقش توقف داشته باشد، امر به نحوی از انحاء بر وصول امر توقف پیدا می‌کند و خود وصول امر متوقف بر امر است و دور دوباره پیدا می‌شود.

تعبدیت و توصلیت در امر

- در اینجا چه شخص امر باشد و چه طبیعی امر، این اشکال وارد است. قصد امتثال طبیعی امر متوقف وصول طبیعی امر است.
- وصول طبیعی امر به وصول شخص همین امر تحقق پیدا می‌کند؛ چون فرض این است که طبیعی امر فرد دیگری غیر از این امر در خارج ندارد.
- در نتیجه، این شخص امر، متوقف بر خودش می‌شود.